

۱۲ پادشاه‌های یک صقعه قه‌قال = ۱۲ → **امیر صدری**

وقتی داور گل می‌زند

وقتی داور گل خراب می‌کند...

امیر صدری

پیش‌بینی‌های اولیه من غلط از کار درمی‌آیند، آلمان و آرژانتین راحت‌تر از چیزی که می‌پنداشتم انگلستان و مکزیک را شکست دادند و راهی مرحله یک‌چهارم نهایی شدند تا یک بازی فوق‌العاده حساس دیگر را رقم بزنند. هم آلمان بهتر و قدرتمندتر از انگلستان بود و هم آرژانتین بر توان‌تر و مکزیک، از کامل‌تر از مکزیک، اما واقعا چطوران با کیند – این دو بازی کنار بیاییم؟ چه کسی می‌تواند ادعا کند که اگر کمک‌داور بازی آلمان – انگلستان آن اشتباه بچگانه را در مورد ضربه گل‌شده لمپارد نمی‌کرد و نتیجه بازی دو – دو می‌شد، قطعاً آلمان برنده بازی می‌شد؟ آیا کسی می‌تواند ادعا کند که اگر کمک‌داور بازی آرژانتین – مکزیک آن اشتباه بچگانه را در مورد آفساید تیس انجام نمی‌داد هم حتماً آرژانتین برنده بازی می‌شد؟ اگر اشتباهات داوری وقتی اتفاق می‌افتاد که فاصله تیم‌ها دو گل – یا بیشتر – بود آن وقت بود که می‌شد ادعا کرد اشتباهات داوری در نتیجه نهایی بازی تأثیرگذار نبود اما در هر دو بازی اشتباهات داور در بدترین زمان ممکن رقم خورد. انگلستان احیاشده و آلمان نزول کرده را پس از دو – دو شدن بازی تجسم کنید، یا آرژانتین که به‌رغم فشار آوردن روی دروازه مکزیک نمی‌توانست ساختار فوق‌العاده منسجم دفاعی این تیم را بشکند، خب طبیعی است که اگر این دو اشتباه بچگانه رقم نمی‌خورد همه چیز عوض می‌شد. نمی‌خواهم بگویم که انگلستان و مکزیک حریفان خود را شکست می‌دادند، فقط می‌خواهم بگویم نتایج بازی‌ها تحت تأثیر اشتباهات داوری قرار گرفت و در واقع پیروزی‌ها و شکست‌ها لوٹ شد. می‌دانم (حداقل هزار بار شنیدهام) که داور هم یک انسان است و انسان اشتباه می‌کند اما مساله این است که اشتباهات داوری با اشتباهات بازیکنان متفاوت است چراکه نقش داروان از تمام بازیکنان در یک بازی مهم‌تر است. انگلستان در تمام طول جام جهانی ۲۰۱۰ آن چیزی نبود که انتظار می‌رفت. مکزیک هم همین‌طور، اما این یک واقعیت است که حق هیچ کدام از دو تیم شکست‌های ۴ بر ۱ و ۳ بر ۱ نبود. انگلستان در لحظه‌هایی از بازی نشان داد می‌تواند از نقاط ضعف ژرمن‌ها به خوبی استفاده کند و آنها را تحت فشار قرار دهد. درست‌که آلمان‌ها هم از همین تاکتیک استفاده کردند و از ضعف دفاع مردان جزیره به چهار گل رسیدند اما خود آنها هم می‌دانند اگر کمک‌داور بازی آن اشتباه را نمی‌کرد شاید به سختی می‌توانستند انگلستان احیاشده را شکست دهند. از آن سو هم مکزیک با یک برنامه عالی برای مهر آرژانتین پا به میدان گذاشته بود. آبی و سفیدها در یک‌سوم ابتدایی بازی بر حریف برتری داشتند اما این برتری آنها به رقم زدن حملات خطرناک نمی‌انجامید. مکزیک‌ها می‌سی را مهار کرده بودند و سایر نفرات آرژانتین هم فاقد توان بازکردن لایه‌های دفاعی سبزها نشان می‌دادند، اما…

نتیجه: اشتباهات داوری هر دو بازی بزرگ روز یکشنبه جام را خراب کرد.

■ **آلمان متفاوت**

شاید آلمان‌ها خشنود باشند که انتقام از پیروزی مشکوک ۴ بر ۲ ویمیلی انگلیسی‌ها را گرفته‌اند، اما خب فرق این دو بازی در این است که آلمان‌ها فینال و جام را به انگلیسی‌ها باختند و حالا یک گل سالم پذیرفته‌نشده حداکثر به معنای رسیدن به جمع هشت تیم نهایی است نه رسیدن قطعی به جام. آلمان بسیار بهتر از حد انتظار بازی می‌کند، چرا؟ خط میانی ژرمن‌ها تا اینجا ی کار عالی بوده، شواین اشتایگر به ژنرالی بدل شده که آلمان‌ها بعد از ماتئوس (و شاید ماتئاس سامر) کمبودش را حس می‌کردند. خدیرای فیزیکی و زحمتکش و اوزیل تکنیکی و فانتزی پیش روی او زوج خوبی شده‌اند و در دو طرف زمین هم پودولسکی و مولر با‌های بی‌ظنری ی‌شده‌اند. با حضور بوتانگ و کم شدن ضربه اشتباهات فردریش خط دفاعی آلمان هم بهتر شده و نویر هم خیلی بهتر از حد تصور کار کرده. همه اینها باعث شده ژرمن‌ها پدیده جام تا اینجا کار باشند اما قویا معتمد این تیم آلمان شکننده است و کافی است یکی دو نفر از بازیکنان این تیم روز خوب خودشان را تجربه نکنند تا کل تیم فرو بریزد… اما به‌رغم این مساله باز هم احساس می‌کنم آلمان از آرژانتین «تیم‌تر» است. به هر حال نبرد بازیکنان خوب تاکتیک‌پذیر با چند فوق‌ستاره و ستاره بی‌تظیر در فوتبال افرادی یک بازی عالی خواهد شد؛ بازی‌ای که بیشتر از هر چیز شاید محکی باشد برای سنجش عیار مربیگری دیه‌گو آرماندو مارادونا.

■ **کنته پایانی:** آلمان در مجموع دو کیلومتر از انگلستان بیشتر می‌دود، اما مساله‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که آلمان‌ها موثرتر از انگلیسی‌ها می‌دوند؛ آنها اکثر نبردهای تن به تن را فتح می‌کنند و در استارت‌های سریع هم حریف را مات می‌کنند. تیم خارج از زمین ژرمن‌ها در این مساله نقش مهمی داشته است. آلمان‌ها یک تیم ۸۰ نفره برنامه‌ریزی و تدارکات دارند و در کاروان این تیم پنج پزشک یا کادر پزشکی همراه تیم است. این لشکر تدارکاتی کارش را به خوبی انجام می‌دهد، خیلی وقت‌ها نقش افرادی که هیچ وقت نام آنها را نواخواهیم شنید، از نقش بازیکنانی که طی یک بازی ده‌ها بار نام‌شان برده می‌شود، کمتر نیست.

■ **و اما بازی‌های امشب**

قاعدتا پاراگونه راحت‌تر زاین را شکست خواهد داد و اسپانیا هم راحت‌تر از آن پرتغال را. هر چند پاراگونه را ستایش می‌کنم اما دوست دارم ژاپنی‌ها برنده این بازی باشند یا حداقل در یک بازی سخت، مثلاً در ضربات پنالتی مغلوب شوند. البته حس من این است که ژاپن که کمتر از پارا گونه قابل پیش‌بینی است و این مساله به همراه نبودن فشار «پیروز شدن حتمی» بر دوش بازیکنان این تیم ممکن است یک شکستی را رقم بزند. در بازی دیگر هم حس من این است که این آخرین فرصت کریس رونالدو برای اثبات خودش طی مقطعی شاید چند ساله باشد. بازی اسپانیا – پرتغال به نظر من جنگ یک فوق‌ستاره با یک تیم است. شاید کریس رونالدو به‌رغم تمام پیش‌بینی‌ها مهم‌ترین مرد این بازی باشد. اگر این اتفاق بیفتد آن وقت این بازی از آن بازی‌های تاریخی خواهد شد.

■ **طوفان** →

امیرقباد قهرمی

بواتنگ



سالار تصمیم گرفت تیم فوتبال محل رو به جام جهانی بفرسته، صغری خاتوم اسپاسر تیم شد و سرانجام تیم بدون بازی‌های مقدماتی و با هک کردن سایت فیفا به دست صدرا به جام جهانی راه پیدا کرد و من رو همراه بازیکنان و هیات همراه تیم، دو بشکه سوار نفتکش بودیم که لو رفتیم، من رو به نفاذات کشتنی گماردن و بقیه درگیر بازی تدارکاتی با تیم ملوانان شدند…

کی می‌دونه بدی نفتکش از کدوم جنبه بیشتره؟ با اینکه تمیز کردنش خیلی طول می‌کشه و لکه‌های نفت هر کار می‌کنم نمیره، ولی با میگم این بزرگ‌ترین عیباش نیست، به نظرم اگه این کشتنی که الان توش گیر افتادیم لاقل برای حمل غلات بود، شاید به موشی، عنکبوتی، چیزی بود که باهاش هم‌صحبت بشم. این بوی نفت لعنتی اصلاً نمی‌داره هیچ حشرهای زنده بمونه. اینجااست که آدم با اون پرنده‌های دریایی که تو تنها ساحل شن سفید دنیا تو فلوریدا پر و بالشون به نفت خام آغشته شده، بد جور احساس همدردی می‌کنه. لعنت به این نفتکش، لعنت به بریتیش پترولیوم، زنده‌باد خودم و اون پرنده‌های دریایی. من اصلاً با این همه احساس جهانشمول تو این کشتی با این تیم ناضی که فکر می‌کنن دارن میرن جام جهانی و تا قهرمان نشن برمی‌گردن محله چه کار می‌کنم؟ البته با این روحیه جنگنده که تو تیم هست اصلاً فکر نکنم دیگه برگردیم محله. تو مملکت خودمون که با نداد، شاید اونجا از عملگی و آجر بالا انداختن به جایی رسیدیم، اصلاً این تیمی که من همراهشونم بیشتر از این کاری از دستشون بر نیامد. تاناشا بی پیام با مورش فرستاده بود که اولش جای شگفتی داشت و بعد از یک ساعت و نیم ترجمه نقطه خط‌ها، به این نتیجه رسیدیم که احیاناً داشته با دستگاه مورش بازی می‌کرده. این پسر سیاهپوسته که تو اتاق بیسیم کشتی می‌شینه خیلی باحاله. میگه دو تا از برادرارش تو جام جهانی بازی می‌کنن و تیم‌هاشون هم به یک‌چهارم نهایی رفتن. خودش به چهار زبون زنده دنیا و احیاناً پنج، شش زبان مرده یا در حال مرگ محبت می‌کنه. بلبلیه واسه خودش. بیچاره خیلی امیدواره که برادرارش تو فینال در مقابل هم قرار بگیرن. میگه این به رکورد بی‌تظیره. من که از حرفاش سر درمی‌آرم، کم لااد باحالیه. خوشحالم که این بوانگ اینجااست وگرنه تو این بی‌حجرتی و دوری از هر نوع موجود زنده سرونوشتی تنهام خیلی تتهار رقم می‌خورد. کشتنی دل آب رو می‌شکافه و جلو می‌ره ولی هرچی جلوتر میره هوشی مطمئن می‌تولید می‌کنه. معتقده داره خیلی دوره. نه معلومه چقدر راه اومدی و نه می‌فهمی چقدر از مسیر باقی مونده. حتی این بازی بی‌پایان تیم محله با ملوان‌ها هم تکراری شده، جز گل خوردن و کاشتن توپ وسط کشتی و دوباره گل خوردن کاری از دستشون بر نیامد. سوسن که برای آنالیز تیم همراهمون اومده اونقدر گل‌های حریف رو از دیروز تا حالا آنالیز کرده که دیدمش بین دو تا بشکه خوابش برده بود. خبری از اسد نیست. کاپیتان از وقتی فهمیده صغری چه انسان احمقیه، بیچاره رو سوزه کرده. به غرور محلی من برمی‌خوره‌ها، ولی خب، به درک کاش آخرش این صغری و سالار خوراک کوسه‌ها بشن. شاهین برای ساخت سرود تیم محله با سه تا از این بچه آفریقایی‌ها داره موسیقی تلفیقی تولید می‌کنه. معتقده داره باب جدیدی در موسیقی باز می‌کنه. تلفیقی از بی‌سوادی خودش و کومبا کومباهای احمقانه این سه تا نفر. نکنم آخرش سرونوشت شاهین بهتر از سالار باشه. شنیم هم که ما رو کشت با اون بوتلشن. چون هیچ خبری از هیچ کجا نیست و هیچ خواننده‌ای هم نداره، به گزارش تصویری رو آورده و داره با نقاشی و کاراکتور سر خوش رو گرم می‌کنه. معتقده نقاشی زبان مشترک بین تمام انسان‌ها از هر رنگ و نژادیه. تو این دربارگ فلسفه‌فاش زده بالا. ولی اصلاً باید دیوار زبان که روز اول رو سر من خراب شد، نیتاده. خوشبختانه از وقتی من با این بواتنگ رفیق شدم دیگه طرف مورش نیامد. این بواتنگ یه معجزه است. باور کنین.

آلمان، انگلیسی

سال پنجم ■ شماره ۹۹۹ ■ سه‌شنبه ۸ تیر ۱۳۸۹



شیر بی‌دندان در چنگال عقاب جوان

لو: گفتم باید گل سوم را بزنی

لحاظ تاکتیکی به ندرت به خوبی این مسابقه بازی کرده بودیم.
مسعود اوزیل: من باز هم تکرار می‌کنم اگر یک‌پارچگی خود را این‌گونه حفظ کنیم، می‌توانیم هر تیمی را در جهان شکست دهیم. رویای ما قهرمانی جهان است.
توماس مولر: من به اوزیل تبریک می‌گویم. این فقط به خاطر پاس زیبایی او برای گل چهارم من نبود بلکه رسیدام و می‌خواهم پس از پایان بازی‌ها فینال جام را در دست بگیرم. ما از آرژانتین و ستاره‌هایش هیچ ترسی نداریم چون به تیم و مربی خوب اعتقاد داریم.



بود اما ما به یک بازیکن وابسته نیستیم». لمپارد هم کاپلو را دوست دارد: «از کار زیر نظر او لذت می‌برم. البته من موظف به صحبت درباره آینده این مربی بزرگ نیستم. حیف شد. پس از برتری بر اسلونیو تصور می‌کردیم در جام جهانی راه درازی می‌پیمایم. متأسفانه این اتفاق رخ نداد.»

می‌کند. فقط کافی است نگاهی ببندازیم به نظر برخی از آنها پس از پیروزی تاریخی چهار بر یک برابرا انگلستان.
یواخسیم لو: من به بازیکنان پس از پایان نیمه اول گفتم‌م ما باید گل سوم را به ثمر برسانیم و فقط از طریق ضد حمله ممکن است چون بازیکنان انگلستان مجبور به بازی نفوذی هستند و شاگردان خیلی عالی خواسته‌های مرا پیاده کردند.
کلوزه: من همیشه گفته بودم تیم خیلی عالی را در اختیار داریم که هم در دفاع و هم در حمله به یک اندازه خوب عمل می‌کنند.
شواین اشتایگر: من به این تیم افتخار می‌کنم. عملکردمان در طول ۹۰ دقیقه فوق‌العاده بود. از

با پول‌های هنگفت به خدمت گرفته می‌شوند و به استعدادهای جوان کم میدان داده می‌شود؟
۲۰۱۰ پنهان کنند. چطور می‌شود یک تیم که دیگر مشکل بزرگ کاپلو این بود که پس از اینکه رهبری تیم را از جان تری به خاطر رسوایی اخلاقی گرفت و به استیون جرارد منتقل کرد، دیگر تیم خود را مانند بازی‌های مقدماتی تحت کنترل نداشت. گروه‌بندی نزد شاگردان کاپلو به چشم می‌خورد. حتی الکس فرگوسن پس از یک گفت‌وگوی تلفنی با وین رونی از قول این بازیکن اعلام کرده بود نزد بازیکنان تیم کشمکش‌های زیادی وجود دارد. اما جو تیم ملی جوان آلمان که میانگین سن آنها ۲۴/۸ سال است کاملاً فرق

مشکل‌های فراوان فوتبال خود به ویژه حضور ضعیف تیم ملی کشورشان را در آفریقای جنوبی ۲۰۱۰ نامیده شد بیشتر اوقات به یک اتوبان یک‌طرفه ساخت مهندس‌های جوانی که زبردست یواخیم لو کار می‌کردند شباهت داشت. صرف‌نظر از گل دوم انگلستان که از طرف داور به رسمیت شناخته نشد، شیر بی‌دندان انگلستان بدجوری در چنگال عقاب جوان ژرمن‌ها گیر افتاد. بله، درست است که اگر داور گل لمپارد را قبول می‌کرد شاید سرونوشت بازی این گونه بر ضد شاگردان فابیو کاپلو رقم می‌خورد اما در فوتبال بی‌رحم حرف‌های امروزه به ویژه در جام‌های بزرگ خصوصاً جام جهانی نمی‌توان با این امسا و اگر‌ها زندگی کرد. اگر گل دوم انگلستان به رسمیت شناخته می‌شد بهترین بهانه ممکن را به رسانه‌های زرد این کشور می‌داد تا

بازی آلمان و انگلیس که توسط خیلی از کارشناسان به عنوان فینال زودرس آفریقای جنوبی ۲۰۱۰ نامیده شد بیشتر اوقات به یک اتوبان یک‌طرفه ساخت مهندس‌های جوانی که زبردست یواخیم لو کار می‌کردند شباهت داشت. صرف‌نظر از گل دوم انگلستان که از طرف داور به رسمیت شناخته نشد، شیر بی‌دندان انگلستان بدجوری در چنگال عقاب جوان ژرمن‌ها گیر افتاد. بله، درست است که اگر داور گل لمپارد را قبول می‌کرد شاید سرونوشت بازی این گونه بر ضد شاگردان فابیو کاپلو رقم می‌خورد اما در فوتبال بی‌رحم حرف‌های امروزه به ویژه در جام‌های بزرگ خصوصاً جام جهانی نمی‌توان با این امسا و اگر‌ها زندگی کرد. اگر گل دوم انگلستان به رسمیت شناخته می‌شد بهترین بهانه ممکن را به رسانه‌های زرد این کشور می‌داد تا

■ **تیم مجل در راه جام 2010**

پس‌لرزه‌های بازی بزرگ

قربان دست و پرچمت

«کاپلو باید برود». فصل مشترک مطالب (روزنامه‌های انگلیسی پس از رقم خوردن سنگین‌ترین شکست تاریخ سه‌شیرها در همه ادوار جام جهانی، دعوت پرآرمدترین سرمربی تیم‌های ملی جهان به کناره‌گیری بود. البته رسانه‌های گروهی سهمی هم برای لاریوندا و اسپینوزای اروگونه‌ای قائل شدند. کمک‌داور بازی که نامش یادآور یک فیلسوف قدیمی است، روی توفیق بهرام‌اف آذربایجانی (کمک‌داور بازی فینال جام جهانی ۱۹۶۶ بین دو رقیب دیرینه) را سفید کرد. هنوز معلوم نشده ضربه جف هورست از خط دروازه تلیکوفسکی گذشت یا نه اما از همان چند ثانیه ابتدای وقوع حادثه، مشخص شد شوت لمپارد به شکل واضحی درون دروازه قرار گرفته است. روزنامه زرد «حسن» با این تیتر فروش خود را تضمین کرد: «شما کشوری را سرافکنده کردید». نویسنده این مطلب در ادامه نوشت: «ما فوتبال را به جهان فرستادیم اما از سال ۱۹۶۶ در حال مشاهده پیششارتی انواع و اقسام تیم‌ها هستیم. مقابل دشمن قدیمی ناوتان ظاهر شدیم.»

آتش دیلی‌میل تندتر بود: «سه‌شیرها به عنوان سفیر ورزش انگلیس مسئول این افشاح تاریخی هستند. شکست از آلمان لکه تنگی در تاریخ فوتبال ماست. فراموش نکنیم که «مردان کانگو در سه بازی از چهار رقابت خود در جام جهانی ۲۰۱۰ عملکرد نامطلوبی داشتند و سرمربی ایتالیایی باید درباره حماقت‌های خط دفاعی توضیح لازم را بدهد.» دیلی‌میل نوشت: «تنها داور و کمک اروگونه‌ای گل درست لمپارد را ندیدند». سنان در بخش نقلیه داور زبان به طنز و مطالبه گشود: «حتی اشتباه داور هم باعث کتمان واقعیت نمی‌شود. شیرهای کاپلو، گر‌های ملوسی بیش نبودند.» تایمز هم انگلیس را لایق شکست دانست. سان باز دیگر از لزوم ورود تکنولوژی حرف زد: «خطای دید کمک‌داور نشان داد

وقت استفاده از ویدئو در فوتبال فرا رسیده است.» آن روزجوی اوضاع کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد. استیون جرارد کاپیتان یکی از بدترین تیم‌های تاریخ انگلیس امیدوار است کاپلو در سمتش باقی بماند. ستاره لیورپول گفت: «اعطایمان دارم فابیو می‌ماند و در کمترین زمان ممکن تغییرات لازم از بازی را به جملات تحقیرآمیز لج انگلیسی‌ها می‌خواهم داد. تیم باتجربه‌ای هستیم و به آینده نگاه می‌کنیم. می‌دانم در تورنمنت بعدی متفاوت ظاهر می‌شویم. جزییاتش را از مربی ببرسیم.»

فرانتس بکن باوئر قیصر فوتبال آلمان که قبل از بازی با جملات تحقیرآمیز لج انگلیسی‌ها را درآورد، پس از اثبات حرف‌هایش مغرورانه جلوی دوربین‌های تلویزیونی از برتری همه‌جانبه ژرمن‌ها گفت: «انگلیس اصلاً نتوانست با شیوه ما مقابله کند. در تمامی موارد برتر از رقیب دیرینه بودیم. خوشبختانه گل‌های نیمه دوم مانع پرزنگ شدن اشتباه کمک‌داور شد. دو گل زدید و شاید می‌توانستیم با اختلاف بیشتری بازی را به پایان ببریم.»

آلمانی باشی، انگلیس را در جام جهانی خرد کنی و در خانه بنشین؟ طرفداران تیم پیروز

بازی پنجم مرحله یک‌هشتم نهایی پس از برتری ۴ بر یک تیم‌شان به خیابان‌ها ریختند. در برلین ۵۰ هزار هواداری که از طریق یک تلویزیون بزرگ بازی را می‌دیدید، با هر گل آلمان شهر را از حالت عادی خارج می‌کردند. پیروزی بزرگ، مردم را به حرکتی بدیع واداشت، رقص با پرچم سرنگ آلمان در خیابان‌ها، آنچه در این کشور منظم و کم‌سرودا مرسوم نیست. جشن‌های آلمان از دریای سیاه تا بالتیک امتداد داشت. چراغ‌های روشن وسایل نقلیه هم به جشن بزرگ برنده بزرگ رونق ویژه‌ای بخشیده بود. سایات بیلد در گزارشی نوشت: «باورنکردنی بود. انگلیس را خرد کردیم و البته شانس آوردیم

که کمک‌داور گل لمپارد را ندیذرفت. ممنون آقای اسپینوزا، آلمانی‌ها باید هم روی داور را ببوسند چون

پس از ۴۴ سال فرصت تلافی ناداوری توفیق بهرام‌اف را پیدا کردند. آنکلا مرکل نخست‌وزیر آلمان پس از تماشای بازی کنار دبوید کامرون همتای جدید خود در اجلاس سیاسی واقع در کانادا از یک نمایش شگفت‌انگیز حرف زد.

روسیاهی به زغال می‌ماند و غم باخت برای

هوادران. طرفداران تیم ملی انگلیس پای

تلویزیون بزرگ نصب‌شده در میداین اصلی دست

بر سر با ناراحتی تمام اکثر دقایق رقابت را پیگیری

می‌کردند. واکنش مطبوعات را شنیده‌اید؟ فرانک

لمپارد قربانی بزرگ ناداوری حرف «دیلی‌میل» را

تکرار کرد: «۴۰ هزار هوادار گل من را دیدند اما